

بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی با پدیده بولینگ در دانش‌آموزان پسر منطقه ۱۱ آموزش و پرورش شهر تهران

مهناز استکی^۱، سیده زهرا هدائی^۲

^۱استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

^۲کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی با پدیده بولینگ در دانش‌آموزان پسر انجام شد، در این پژوهش از روش همبستگی استفاده شد جامعه آماری متشکل از تمامی دانش‌آموزان پسر ۱۰ تا ۱۵ ساله منطقه ۱۱ آموزش و پرورش شهر تهران بود که جهت انجام پژوهش تعداد ۱۲۰ نفر با روش تصادفی انتخاب شدند. ابزار این پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های AAQ سبک دل‌بستگی بزرگسالان و پرسشنامه محقق ساخته پدیده بولینگ می‌باشد. در راستای تحلیل داده‌ها، از مدل‌های آماری رگرسیون چند متغیری، ماتریس ضریب همبستگی و t دو گروه مستقل استفاده شد که نشان دادند ارتباط مثبت و معناداری بین سبک دل‌بستگی «دوسوگرا» با «پدیده بولینگ» در پسران وجود دارد ولی، تفاوت بین مؤلفه‌های پدیده بولینگ پسران وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: پدیده بولینگ، سبک‌های دل‌بستگی، جنسیت، دانش‌آموزان پسر

۱- مقدمه

کودکان در سال اول زندگی تمایلات مثبت و منفی خود را نسبت به دیگران بروز می‌دهند محور تمایلات مثبت در این سال اعضای آشنای خانواده به خصوص مادر است شاید این تمایلات آغازگر گرایش‌های اجتماعی کودک باشد داشتن جاذبه نسبت به مادر و داشتن دافعه نسبت به اشخاصی که دارای چهره ناآشنا هستند از ویژگی‌های مهم عاطفی در کودکان است (حسن بیگلو، ۱۳۸۰).

گراوس من^۱ و گراوس من ۱۹۹۰ مطرح می‌کند که نظریه دل‌بستگی بر این باور است که دل‌بستگی پیوندی جهانی شمول است و در تمام انسانها وجود دارد، بدین معنا که انسانها تحت تأثیر

پیوندهای دل‌بستگی‌شان هستند. بالبی معتقد است که یک شخص برای رشد سالم نیاز به پیوند عاطفی دارد که این احساس امنیت در کودک پایه‌ای برای سلامت روانی وی می‌باشند (خوشابی و ابوحمزه، ۱۳۸۶).

دل‌بستگی به عنوان یک متغیر مرتبط با پرخاشگری از مدت‌ها پیش مورد توجه پژوهشگران بوده است، دل‌بستگی تجربه مهمی در زندگی است که در پیوند عاطفی میان کودک و مادر از ابتدای تولد ایجاد شده و در بهداشت و سلامت روانی هر دو تأثیری می‌گذارد (بالبی، ۱۹۷۳).

چه بسا افرادی که در کودکی دل‌بستگی ایمن داشته‌اند، در بزرگسالی افرادی بودند با توانمندی‌هایی نظیر کنترل خشم و کنترل هیجانات، از طرفی افراد با دل‌بستگی نایمن، قادر به برقراری ارتباط پایدار و عمیق با دیگران نبوده و اغلب آنان مشکلات رفتاری و میزان شکست تحصیلی بالاتری نشان دادند (گلدفاب^۲، ۱۹۸۴، ولف^۳، ۱۹۸۹، به نقل از رفیعی، ۱۳۸۷).

بسیاری از اختلالات در نوجوانی و جوانی می‌تواند در ارتباط با شیوه دل‌بستگی باشد زیرا تجربه‌های جدایی از چهره‌های دل‌بستگی صرف نظر از کوتاه یا طولانی بودن مدت جدایی و تجربه‌های از دست دادن یا تهدیدهای جدایی یا رها شدگی همگی در منحرف کردن تحول از راهی که در درون مرزهای بهینه قرار دارد، به سوی راهی که بیرون از مرزها است، مشارکت دارند (بالبی ۱۹۸۹ به نقل از محمدی، ۱۳۸۷).

اینسورث^۴ و همکاران (۱۹۷۸) معتقدند که همه کودکان بهنجار احساس دل‌بستگی پیدا می‌کنند و دل‌بستگی شالوده رشد عاطفی و اجتماعی سالم در دوران بزرگسالی را پی‌ریزی می‌کند (ماسن^۵ و همکاران، ۱۹۸۹، یاسایی، ۱۳۸۰).

در مجموع بررسیها نشان می‌دهند که کودکانی که قبل از ورود به دومین سال زندگی، دل‌بسته ایمن هستند، آمادگی بیشتری برای روبه‌رو شدن با تجارب و روابط جدید دارند. همچنین الگوی دل‌بستگی اولیه با نوع مقابله کودک با تنیدگی در سالهای بعد ارتباط دارد (حکیم جوادی، ۱۳۸۲).

پژوهش‌های قبلی نشان داده اند که کودکان خشونت‌گرا اغلب از خانواده‌هایی به جامعه راه می‌یابند که گرما و عاطفه با بی‌نظمی در بین افراد خانواده رد و بدل می‌شود پس بین رفتارهای خشونت آمیز کودکان و نحوه برقراری ارتباط والدین با آنها رابطه‌ای وجود دارد که این رابطه می‌تواند تا سنین مدرسه و حتی بزرگسالی نیز رفتار آنها را تحت تأثیر قرار دهد. این مطالعات دریافتند که پدیده بولینگ با افسردگی مادر (کرتنر و اسمیت^۶، ۲۰۰۰)، ارتباط فاقد صمیمیت والد با کودک (کرتنر و

¹ Grossman

² Goldfub

³ Wolf

⁴ Ainsworth

⁵ Mussen

⁶ Smith

اسمیت، ۲۰۰۰ و فلوری^۷ و بوچانان^۸، ۲۰۰۵) و سختگیرها و تنبیهات (کرتنر و اسمیت، ۲۰۰۰ و الویس^۹، ۱۹۹۳) ارتباط دارد (مرل^{۱۰}، ۲۰۰۸).

بنا به نظریه روان کاری و کردارشناسی، احساس درونی محبت و ایمنی که از رابطه دل‌بستگی سالم حاصل می‌شود به تمام جنبه‌های رشد روانی کمک می‌کند (برک، ۲۰۰۱، سید محمدی، ۱۳۸۶).

یکی از محیط‌های تأثیرگذار در این رابطه اولین محیط اجتماعی (مدرسه) است که کودک پا در آن می‌گذارد به منظور شناخت عوامل بعضی از رفتارهای نادرست و خشونت‌آمیز کودکان در مدارس و ارائه راهکارهایی به منظور بهبود این وضعیت به والدین و مربیان آموزشی تلاش شده است بر روی سبک‌های دل‌بستگی کودکان و تأثیر آن بر روی پدیده بولینگ پژوهشی صورت گیرد. هدف این مقاله بررسی رابطه بین «سبک‌های دل‌بستگی»، «پدیده بولینگ» و «جنسیت» در دانش آموزان است.

مبانی نظری

دل‌بستگی:

واژه دل‌بستگی برای توصیف تمایل کودک به نزدیک افراد خاص ماندن و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد به کار می‌رود (هیلگارد، ۱۹۷۵، براهنی، ۱۳۸۵).

کودک خود را به کسی که دوست دارد نزدیک می‌کند، بعد از او آویزان می‌شود و نشانه‌هایی چون لبخند، گریه و فریاد به او ابراز می‌کند. با این اعمال کودک نشان می‌دهد که برخی اشخاص برای او مهم هستند و آنها را خوب ارزیابی می‌کند. بدین وسیله او دل‌بستگی خود را نشان می‌دهد؛

دل‌بستگی عبارت است از رابطه عاطفی پایدار که شخص با شخص دیگری برقرار می‌کند، بنابراین دل‌بستگی از طریق رفتارهایی منعکس می‌شود که نزدیکی و تماس را مساعده می‌کنند روان‌شناسان رشد در مورد ریشه‌ها یا عوامل تعیین‌کننده دل‌بستگی دو تبیین مختلف ارائه داده‌اند: تبیین اول بر دورنمای رفتار شناختی و تبیین دوم بر چشم‌انداز یادگیری تکیه دارد. به عقیده بالبی کردارشناس علاقه‌مند به روان‌کاوی پایه‌های زیستی رفتارهای دل‌بستگی در صورتی که از دیدگاه تکاملی مطالعه شود، آسانتر قابل درک خواهد بود. برای این که نوع انسان به رغم طولانی بودن دوره ناپختگی و آسیب‌پذیری بتواند زنده بماند، مادر و کودک تمایل ذاتی دارند که به یکدیگر دلبسته شوند (زندن^{۱۱}، ۱۹۹۶، گنجی، ۱۳۸۳).

- دل‌بستگی به سیستم تنظیم کننده اطلاق می‌شود و فرض بر این است که این سیستم در درون فرد وجود دارد و هدف آن تنظیم رفتارهایی است که موجب نزدیک شدن و برقراری تماس با فردی متمایز و حامی است که تکیه‌گاه نامیده می‌شود و هدف این سیستم در فرد دلبسته از لحاظ روانی معطوف به ایجاد احساس امنیت است (دهقان طرزجانی، ۱۳۷۶).

- نتیجه عمده کنش متقابل بین مادر و کودک به وجود آمدن نوعی دل‌بستگی عاطفی بین فرزند و مادر است. این دل‌بستگی و ارتباط عاطفی با مادر است که سبب می‌شود کودک به دنبال آسایش حاصل از وجود مادر باشد، به‌خصوص هنگامی که احساس ترس و عدم اطمینان می‌کند. بالبی ۱۹۵۱ و اینسورث ۱۹۷۹ معتقدند که همه کودکان بهنجار، احساس دل‌بستگی پیدا می‌کنند، دل‌بستگی شدید شالوده رشد عاطفی و اجتماعی سالم در دوران بزرگسالی را پی‌ریزی می‌کند، در واقع دلبستگی‌های انسان نقش حیاتی در زندگی وی ایفا می‌کند (خوشابی و ابوحمزه، ۱۳۸۶).

⁷ Flouri

⁸ Buchanan

⁹ Olweus

¹⁰ Merll

¹¹ Zenden

-

رویکرد روان تحلیل‌گری:

فروید^{۱۲} بر این باور بود که دل‌بستگی که به دلیل کسب لذت دهانی از طریق ارضای فردی نیازهای غریزی ایجاد می‌شود مراقبت‌کننده را به یک موضوع عشقی تبدیل می‌کند و این اولین عشق خواهد بود که اساس همهٔ دلبستگی‌های بعدی را شکل می‌دهد (مزرعه شاهی، ۱۳۸۴).

روان تحلیل‌گران معتقدند که نخستین روابط کودک پایه و اساس شخصیت او را تشکیل می‌دهد اگرچه روان تحلیل‌گران در رابطه با این نظر که در حدود ۱۲ ماهگی تقریباً همه کودکان به سمت یک پیوند قوی با چهره مادر تحول می‌یابند، توافق ندارند اما درباره ماهیت و منشاء این ارتباط با یکدیگر

توافق دارند. از نظریه روان تحلیل‌گری دو نظریه مهم دربارهٔ ماهیت و منشاء پیوند کودک با مادر را می‌توان اقتباس کرد:

الف) کودک دارای نیازهای جسمانی، به خصوص نیاز به غذا و احساس گرما است که باید ارضا شود به همین دلیل او به چهرهٔ مادر علاقه‌مند شده و به او دلبسته می‌شود زیرا مادر، عامل ارضای نیازهای ضروری او است بالبی این نظریه را نظریه کشاننده ثانوی می‌نامد.

ب) در کودک یک آمادگی درونی برای ارتباط دادن خود با یک پستان انسانی، مکیدن و تصاحب آن وجود دارد بنابراین برطبق نظر فروید نیازی که کودک به ارضای دهانی از طریق مکیدن دارد موجب می‌شود که او به پستان ارضاکنده مادر و در نهایت به خود مادر نیز دل‌بستگی پیدا کند (بالبی، ۱۹۶۹، به نقل از محمدی، ۱۳۸۷).

فروید (۱۹۲۳) دل‌بستگی کودک-مادر را یک احساس بی‌همتا می‌داند که به عنوان اولین و قوی‌ترین پیوند عاطفی در سراسر زندگی فرد استمرار می‌یابد و براساس لذت دهانی کودک از پستان مادر به وجود می‌آید (سرافراز، میرجعفری، ۱۳۸۵).
آنا فروید^{۱۳} نشان می‌دهد که چگونه زندگی کودک از وابستگی مطلق به مادر آغاز شده است و سپس به سوی سرمایه‌گذاری بر موضوعات جنس مخالف در نوجوانی تحول می‌یابد. این مراحل تحولی از وحدت زیست‌شناختی زوج مادر-کودک آغاز می‌شود و سپس به ترتیب با مراحل رابطه از نوع موضوع جزئی، مرحله پایداری موضوع، رابطه دوسوگرایی، مرحله مقعدی، پیش ادیپی، مرحله احلیلی-ادیپی، کاملاً متمرکز به موضوع، دوره نهفتگی، دورهٔ پیش نوجوانی و بالاخره دوره نوجوانی تحول می‌یابد (منصور، دادستان، ۱۳۷۹).

وینی‌کات^{۱۴} به اهمیت وابستگی به پیوند متقابل مادر-کودک تأکید می‌کند. او معتقد است که در آغاز نوزاد بدون مادر وجود ندارد و نیروی نظری وی بدون مراقبت‌های مادرانه متجلی نمی‌شود. وینی‌کات، به نقش مادر و نحوه پاسخگویی به کودک، اهمیت بسیار زیادی می‌دهد.

وینی‌کات مراحل تحول رابطه مادر-کودک را ترسیم کرده و سه مرحله را در این زمینه متمایز می‌کند:

مرحله وابستگی مطلق که مرحله درهم آمیختگی کامل مادر-نوزاد است، مرحله وابستگی نسبی که در خلال این مرحله کودک تدریجاً از مادر متمایز می‌شود و مرحله حرکت در جهت استقلال و اجتماعی شدن که در خلال آن کودک به سوی استقلال گام بر می‌دارد. وینی‌کات مانند بالبی به نقش محرومیت و جدایی موضوع دل‌بستگی تأکید کرده و آن را عامل مشکلات روانی کودک می‌داند (رهنمای، ۱۳۸۴).

¹² Freud

¹³ Ana Freud

¹⁴ Winnicott

رویکرد رفتارنگری:

رفتارگرایان معتقدند شخصی که کودک را تغذیه می کند، چهره اصلی دل‌بستگی می‌شود. آنها بر این باورند که مراقبت‌کننده یک تقویت‌کننده شرطی می‌شود، نوزاد یک پاسخ بازتاب غریزی به تغذیه شدن دارد، او لذت را تجربه می‌کند و مراقبت‌کننده را با این لذت مرتبط می‌کند. این احساس، حس لذت بردن از تمامی موقعیتهایی که مراقبت‌کننده به وی نزدیک می‌شود تعمیم پیدا می‌کند (فلانگان^{۱۵}، ۱۹۹۹، به نقل از مزرعه شاهی، ۱۳۸۴).

نظریه پردازان یادگیری بر این واقعیت تاکید دارند که فرایند دل‌بستگی یک راه دو طرفه است و به رابطه رضایت‌بخش متقابل و تقویت‌های دو جانبه وابسته است، مادر رضایت خود را در پایان دادن به فریادهای بچه پیدا می‌کند و در نتیجه خود را نیز آرام می‌کند. کودک با لبخندها و غان و غون کردن‌های خود به کسانی که او را آرام می‌کنند پاداش می‌دهد. رفتارهای دل‌بستگی کودک بسیار موثر است، زیرا موجب می‌شود که فرایندهای دل‌بستگی بین او و والدین به جریان بیفتد؛ اما باید به خاطر داشته باشیم که فرایند دل‌بستگی به طور خودکار انجام نمی‌گیرد بلکه به تدریج و در پی تعدادی مراحل به وجود می‌آید (زندن، ۱۹۹۶، گنجی، ۱۳۸۳).

پیروان نظریه یادگیری معتقدند که رشد و تکامل، تحت تاثیر یادگیری است و شکل‌گیری شیوه‌های رفتار به نقش محیط بستگی دارد. آنها به این امر اعتقاد دارند که گرسنگی و تشنگی و درد، غرایز اساسی هستند که کودک را به عمل وا می‌دارند و شدت دل‌بستگی کودک به مادر به این بستگی دارد که مادر تا چه اندازه نیازهای کودک را تامین می‌کند. به عبارت دیگر تا چه حد وجودش با کسب لذت و کاهش درد و ناراحتی همراه است. در واقع نظریه یادگیری همانند نظریه روان تحلیل‌گری به اهمیت موقعیت تغذیه در رشد دل‌بستگی تاکید دارد.

به تدریج وجود مادر برای کودک ارزشمند شده، در کودک نیازهای اکتسابی جهت تماس با مادر رشد می‌کنند که به عنوان دل‌بستگی مورد اشاره قرار می‌گیرد و کودک نه فقط به هنگام گرسنگی به دنبال مادر است بلکه در مواقع دیگر نیز دل‌بستگی عمومی خود را به او نشان می‌دهد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نظریه‌های یادگیری، دل‌بستگی را غریزی و فطری نمی‌دانند، بلکه معتقدند دل‌بستگی در نتیجه تعامل ارضاکننده با افراد مهم محیط کودک اکتساب می‌شود (رهنمای، ۱۳۸۴).

رویکرد رفتارشناسی طبیعی:

رفتارشناسان طبیعی مفهوم نقش بن‌دان یا نگاره‌گیری را وارد فرایند دل‌بستگی کردند. آنها معتقدند که حیوانات با کشاننده‌های فطری به دنیا آمده‌اند، که توانایی بالقوه زنده ماندنشان را افزایش دهند. یکی از این کشاننده‌ها آمادگی نگاره‌گیری از ریخت خاص موضوع (افرادی که صدای خاص ایجاد می‌کنند یا حرکت می‌کنند) است و این نگاره‌گیری به کودک اطمینان می‌دهد که مراقبت‌کننده در مجاورت او است، نگاره‌گیری تنها از طریق بینایی صورت نمی‌گیرد بلکه ممکن است با بوسیدن ارتباط داشته باشد. شواهد خوبی در مورد این امر وجود دارد که نوزادان انسان یاد گرفته‌اند از ابتدای تشخیص از بوی مادرشان استفاده کنند. به طور مثال سرنوچ^{۱۶} و پورتر^{۱۷} (۱۹۸۵) نشان داده‌اند که نوزادان ۱۲ روزه‌ای که از شیر مادر تغذیه نمی‌کنند به مانند نوزادانی که از سینه مادر تغذیه می‌کنند بوی آغوش مادرشان را از آغوش یک غریبه متمایز می‌کنند (فلانگان، ۱۹۹۹، به نقل از محمدی، ۱۳۸۷).

¹⁵ Flangun¹⁶ Cernoch¹⁷ Porter

اینس ورث (۱۹۸۲) گزارش داد که مفهوم «دل‌بستگی» را بالبی مطرح ساخته است در سال ۱۹۵۲ یعنی زمانی که بالبی برای نخستین بار درباره کار رفتار شناسان طبیعی نظیر لورنز و تین‌برگن^{۱۸} شنیده بود، بروز ناگهانی این مفهوم را شاهد هستیم. در این زمان که او وقتش را به تحقیقات درباره نوزادان اختصاص داده بود، دیدگاه رفتارشناسی طبیعی بر پایه قوانین زیست‌شناختی تکامل قرار داشته است. همه رفتارها از نظر کنش‌ورزی آنها برای یک فرد قابل درک و توضیح هستند. کنش رفتارها اغلب به طور قابل ملاحظه‌ای باعث افزایش حیات است، کنش رفتارهای دل‌بستگی «نوزاد» افزایش بقای آنها و انواع است. توفیق رفتارهای دل‌بستگی به متقابل بودن آنها وابسته است. یعنی این رفتارها، باید هم در نوزاد و هم در مراقبت‌کننده حضور داشته باشند. هر کدام از طرفین به طور غریزی رفتارهای اجتماعی را در دیگری به راه می‌اندازند و هر کدامشان یک رابطه دل‌بستگی را شکل می‌دهند، این کار از طریق برانگیزاننده‌های نظری رفتار اجتماعی، اتفاق می‌افتد. نوزادان رفتارهای خاصی را نشان می‌دهند (به طور مثال: لبخند و گریه کردن) و بزرگسالان به آنها پاسخ می‌دهند، به طور مثال به وسیله بلند کردن آنها (مزرعه شاهی، ۱۳۸۴).

نظریه کردار شناختی:

به عقیده کردارشناسان، خیلی از رفتارهای انسان در تاریخ گونه‌ها به این علت تکامل یافته‌اند که به بقای ما کمک می‌کنند. جان بالبی (۱۹۶۹) اولین بار این دیدگاه را در مورد پیوند نوباوه-مراقبت‌کننده مطرح کرده که از تحقیقات کنراد لورنز در مورد نقش پذیری بچه‌ها از الوام گرفت. او معتقد بود که بچه انسان، مانند بچه حیوانات از یک رشته رفتارهای فطری برخوردار است که به نگه داشتن والد نزدیک او کمک می‌کند و احتمال محفوظ ماندن بچه از خطر را افزایش می‌دهد. تماس با والد، ضمناً تضمین می‌کند که بچه تغذیه خواهد شد؛ اما بالبی محتاطانه اشاره کرد که تغذیه مبنای دل‌بستگی نیست. در عوض، پیوند دل‌بستگی خودش مبنای زیستی قدرتمندی دارد و می‌توان آن را در بسته تکاملی بهتر شناخت، بستری که بقای گونه در آن، اهمیت بسیار زیادی دارد به عقیده بالبی، رابطه با والد به صورت یک رشته علایم فطری آغاز می‌شود که والد را به طرف نوباوه می‌کشاند (همان منبع).

پدیده بولینگ

در امتداد تخصصی شدن مطالعات بر روی پرخاشگری، بسیاری از محققان مانند الویس (۱۹۷۸)، پرایس و داج (۱۹۸۹) تمرکز خود را بر تعاریف تخصصی تری از پرخاشگری قرار دادند و توجه خود را به سمت یک تعریف متمایز و شکل یافته تر از پرخاشگری سوق دادند. پرایس و داج معتقدند که بولینگ به عنوان زیر مجموعه‌ای از تعاریف طبقه بندی شده پرخاشگری فعال می‌باشد که به صورت مستقیم به سمت فرد دیگری به منظور تهدید کردن و تسلط یافتن بر او اتفاق می‌افتد (واندر لیچ^{۱۹}، ۲۰۰۷).

اسمیت^{۲۰} و شارپ^{۲۱} (۱۹۹۴) پدیده بولینگ در مدارس را به عنوان سوء استفاده سیستماتیک از قدرت تعریف کرده اند (کیم^{۲۲} و همکاران، ۲۰۰۰).

¹⁸ Tinbergen

¹⁹ Wanderlich

²⁰ Smith

²¹ Sharp

²² Kim

پدیده بولینگ می تواند یک حرکت فیزیکی و روانی باشد که با هدف صدمه زدن به دیگران انجام می شود (فارینگتون^{۲۳}، ۱۹۹۴).

بی سیج^{۲۴} (۱۹۸۹) پدیده بولینگ را به عنوان حالتی از پرخاشگری معرفی می کند که مکرراً اتفاق می افتد. این پدیده عدم تعادلی از قدرت را به همراه دارد که بر علیه یک فرد قربانی وضعیف تر و یا یک فرد آسیب پذیرتر اعمال می شود این تعریف به صورت کلی مورد توافق محققان علاقه مند به پدیده بولینگ قرار دارد؛ اما بعضی از این محققان در مورد این امر که این رفتار نباید الزاماً مداوم باشد با هم به توافق نرسیده اند (همان منبع).

«بولینگ» یک رفتار پرخاشگرانه مداومی است که منجر به ترساندن، تهدید و ارباب یک فرد وضعیف تر (قربانی) می شود این رفتار از جانب یک شخص قویتر از لحاظ قدرت فیزیکی، موقعیت روانی و اجتماعی انجام می شود تا قدرت خود را به قربانی یا قربانیان نشان دهد، این رفتار می تواند علاوه بر برخوردهای فیزیکی یکی از آزارهای روانی را نیز به همراه داشته باشد (مرل و همکاران، ۲۰۰۸).

- اسمیت و شارپ^{۲۵} (۱۹۹۴) بولینگ را استفاده نابجا از قدرت تعریف کرده اند (لاینز، ۲۰۰۷).
- تاتم^{۲۶} (۱۹۹۲) بولینگ را یک تمایل آگاهانه برای صدمه زدن به دیگران تعریف کرده است تا دیگران تحت فشار قرار گیرند (همان منبع).
- رولند^{۲۷} (۱۹۸۹) بولینگ را یک رفتار خشونت آمیز مداوم فیزیکی و روانی تعریف کرده است که به وسیله یک فرد یا یک گروه بر علیه فردی که نمی تواند از خود دفاع کند انجام می شود (همان منبع).
- بی سیج^{۲۸} (۱۹۸۹) بولینگ را به عنوان رفتاری تعریف کرده است که حملات مداوم فیزیکی، روانی، کلامی و اجتماعی در بردارد و به وسیله افراد قدرتمند بر روی افراد وضعیف با هدف ایجاد فشار برای دسترسی به خواسته هایشان و یا برای لذت از چنین عملی اعمال می شود (همان منبع).

مدرسه و پدیده بولینگ

مدارس به منظور حمایت از دانش آموزان در برابر خشونت گرایی و پدیده بولینگ نیازمند یک برنامه ریزی و فرهنگ سازی مناسب و متمر ثمر هستند بین^{۲۹} (۲۰۰۳) مطرح کرد مدارس باید به صورت مستمر تلاش در به وجود آوردن یک محیط آرام داشته باشند تا دانش آموزان در آن احساس امنیت کنند و بتوانند در جریان آموزش های مربوط به مهارت های اجتماعی از نقش های مربیان و اولیای مدرسه تأثیر بپذیرند (بل^{۳۰}، ۲۰۰۶).

تحقیقات زیادی در این رابطه انجام شده است. ویلیامز^{۳۱} و کرنل^{۳۲} (۲۰۰۶) گزارش داده اند که دانش آموزانی که به عنوان نقش قربانی در پدیده بولینگ حضور دارند در مدارس احتمال دارد نتوانند مشکل خود را حل کنند که مربیان و مسئولان مدرسه توجهی به پرخاشگری های فیزیکی نشان نمی دهند و آنها احساس می کنند جایی برای پناه بردن ندارند. در یک مطالعه

²³ Farrington

²⁴ Besage

²⁵ Sharp

²⁶ Tattum

²⁷ Roland

²⁸ Besage

²⁹ Bean

³⁰ Bell

³¹ Williams

³² Carnell

مشابه یونی ور^{۳۳} و کرنل در سال ۲۰۰۴ بیان کردند دانش آموزان قربانی در پدیده ی بولینگ که تحت قوانین شدید و اجباری اولیای خود و اولیای مدرسه قرار دارند بسیار کم احتمال دارد که آزار و اذیت دانش آموزان دیگر نسبت به خود را به بزرگترها گزارش دهند (پروس^{۳۴}، ۲۰۰۵).

پژوهش های مربوط به پدیده بولینگ انجام شده در خارج از ایران

میشنا^{۳۵}، وینر^{۳۶} و پیپلر^{۳۷} (۲۰۰۳) در پژوهشی تحت عنوان «بهترین دوستان و تجربه های پدیده بولینگ» گزارش داده اند، که اولین ارزیابی ها در مورد پدیده بولینگ بهتر است در بین گروه دوستان انجام گیرد زیرا ادراک کودکان از قربانی بودن و یا خشونت گرا بودن در این گروه ها شکل می گیرد و آموزش والدین، معلمان و محیط های آموزشی در به دست آمدن این ادراک در کودکان بسیار حائز اهمیت است. در این پژوهش با مصاحبه با والدین ۱۰۰ کودک کلاس چهارم و پنجم مشخص شد تشخیص پدیده بولینگ توسط کودکان و والدین آن ها کمی سخت و گیج کننده است و به همین منظور باید آموزش هایی برای تشخیص این موقعیت به آن ها داده شود.

جورجیو^{۳۸} و استاوریندس^{۳۹} (۲۰۰۸) مطالعه ای بر روی تفاوت های دانش آموزان قربانی، خشونت گرا، قربانی- خشونت گرا انجام دادند، آن ها با انجام پژوهشی بر روی ۳۷۷ دانش آموز یونانی با میانگین سنی ۱۱ سال دریافتند که دانش آموزان قربانی - خشونت گرا از لحاظ هیجانی و خلق و خو در سطح نا متعادل تری نسبت به دو گروه دیگر قرار دارند و از لحاظ اجتماعی نیز بیشتر از دو گروه دیگر طرد می شوند.

مرل، راس^{۴۰} و اساوا^{۴۱} (۲۰۰۹) بیان می دارند که مدت ها است تأثیر برنامه های جلوگیری از پدیده بولینگ در پشت مقاله های توصیفی مربوط به این موضوع محو شده است، آن ها با بررسی تکنیک ها و شبه تکنیک های کنترل پدیده ی بولینگ در ۲۵ سال گذشته ۲۰۰۴-۱۹۸۰ دریافتند که متغیرهای منجر به پدیده بولینگ با استفاده از آن ها کاملاً رفع شده است، آن ها دریافتند برنامه های مداخله ای پدیده بولینگ به مراتب نتایج مثبت تری به همراه دارد.

باوز، موگان^{۴۲} و کسپی^{۴۳} (۲۰۱۰) در پژوهشی دریافتند گرمای خانواده، جو مثبت خانواده و آرامش بین افراد خانواده بسیار در جلوگیری از رفتارهای خشونت آمیز کودک در بین کودکان دیگر مؤثر است.

پژوهش های مربوط به دل بستگی در داخل ایران

صادقی و مظاهری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان مقایسه سبک های دل بستگی در مادران با سابقه سقط جنین (عمدی و خود به خودی) و مادران بدون سابقه سقط به این نتیجه رسیدند که بین سقط و سبک دل بستگی مادران رابطه ی معنی دار وجود دارد، بدین معنا که در مادران با سابقه سقط عمدی سبک دل بستگی اجتنابی از فراوانی بیشتری برخوردار بود، در حالی که

³³ Unnever

³⁴ Perruse

³⁵ Mishna

³⁶ Wiener

³⁷ Pepler

³⁸ Georgio

³⁹ Stavrides

⁴⁰ Ross

⁴¹ Isava

⁴² Maughan

⁴³ Caspi

مادرانی که سابقه سقط نداشتند فراوانی بیشتری از دل‌بستگی ایمن را نشان دادند. نمرات سبک ایمن در گروه مادران بدون سقط و با سابقه سقط خود به خودی و نمرات سبک اجتنابی در مادران با سابقه سقط عمدی بالاترین میانگین را دارا بود. قنبری و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دل‌بستگی با احساس غربت به این نتیجه رسیدند که دانشجویان دل‌بسته ایمن در مقایسه با دانشجویان دل‌بسته نا ایمن احساس غربت کمتری تجربه می‌کنند و دانشجویان دل‌بسته ایمن از هوش هیجانی بالاتری برخوردار بودند.

ذراتی و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دل‌بستگی دریافتند که بین سبک دل‌بستگی ایمن و هوش هیجانی رابطه مستقیم و معنا دار وجود داشت سبک دل‌بستگی نا ایمن مضطرب دوسوگرا و سبک دل‌بستگی نا ایمن اجتنابی نیز با هوش هیجانی رابطه معکوس و معنا دار داشتند. تحلیل و گریسون چند گانه نشان داد که سبک‌های دل‌بستگی می‌تواند پیش بینی کننده خوبی برای هوش هیجانی کلی و مؤلفه های آن باشد. در پژوهشی که ساعدی (۱۳۸۱) در دانشگاه تبریز انجام داد، نتیجه گرفت که طبقه دل‌بستگی ایمن و نا ایمن مادران در ایمن و نا ایمن بودن طبقات دل‌بستگی کودکان موثر است؛ اما نوع طبقه دل‌بستگی نا ایمن مادر نوع طبقه دل‌بستگی نا ایمن کودک را پیش بینی نمی‌کند و در این میان عوامل فرهنگی بسیار موثر است.

پژوهش های مربوط به دل‌بستگی در خارج از ایران:

در تحقیقی کانکاسما^{۴۴} به بررسی این موضوع که آیا ابعاد اضطرابی و اجتنابی دل‌بستگی کودکان با مادران آن‌ها رابطه دارد یا نه و این که این رابطه‌ها به وسیله ادراک مادر و فرزند از روش فرزند پروری تعیین می‌شود یا خیره می‌پردازد. شرکت کنندگان در این تحقیق ۲۰۹ جفت از بچه‌ها با بلوغ دیر رس و مادرانشان بود نتیجه نشان داد که ابعاد اضطرابی و اجتنابی و دل‌بستگی در کودکان به طور معنی داری با همان ابعاد در مادرانشان رابطه دارند. براساس نظریه دل‌بستگی فرض شده بود، انتقال وراثتی سبک‌های دل‌بستگی به وسیله این عوامل تحت تأثیر قرار می‌گیرند:

الف) سبک دل‌بستگی مادر، ب) ادراک مادر از فرزند پروری، ج) ادراک کودک از شیوه ی فرزند پروری، د) سبک دل‌بستگی کودک.

همچنین عوامل سببی احتمالی که می‌توانستند میان متغیرها تأثیر بگذارند در تجزیه و تحلیل اطلاعات در نظر گرفته شد، نتایج این فرایندها در انتقال وراثتی سبک‌های دل‌بستگی را نشان داد. کانکاسما (۲۰۰۷)، بوسنچک^{۴۵} و وینکلمن^{۴۶} (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان سبک دل‌بستگی و عزت نفس به عنوان شرکت کنندگان در شکل گیری هویت در اواخر نوجوانی به این نتیجه رسیدند که دل‌بستگی و عزت نفس تا اندازه ای در شکل گیری هویت مشارکت دارند و نتایج یک رابطه پیچیده ای بین دل‌بستگی و عزت نفس و شکل گیری هویت نشان دادند.

⁴⁴ Kankasma

⁴⁵ Bosnjake.L

⁴⁶ Winkelman

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش همبستگی می باشد. تحقیقات همبستگی شامل کلیه ی تحقیقاتی است که در آن ها سعی می شود رابطه ی بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبستگی کشف یا تعیین شود. هدف روش تحقیق همبستگی مطالعه حدود تغییرات یک یا چند متغیر با حدود تغییرات یک یا چند متغیر دیگر است.

به نظر دلاور (۱۳۸۳) هدف اصلی تحقیق همبستگی عبارت است از درک الگوهای پیچیده ی رفتاری از طریق مطالعه همبستگی بین الگوها و متغیرهایی که فرض می شود، بین آن ها رابطه وجود دارد. این روش مخصوصاً در شرایطی مفید است که هدف آن کشف رابطه بین متغیرهایی باشد که در مورد آن ها تحقیقاتی انجام شده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل همه دانش آموزان پسرمدارس ابتدایی و راهنمایی منطقه ۱۱ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می باشد. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش تصادفی ساده استفاده شده است. با روش تصادفی از منطقه ۱۱ شهر تهران، ۲ مدرسه پسرانه انتخاب شد و از هر مدرسه ۳۰ دانش آموز انتخاب شده و مورد ارزیابی قرار گرفت. در تحقیق حاضر برای اندازه گیری و سنجش متغیرهای مختلف از ابزارهای زیر استفاده شده است:

الف) پرسشنامه سبک دل بستگی بزرگسالان (AAQ) هازن و شیور

ب) پرسشنامه محقق ساخت پدیده بولینگ

الف) پرسشنامه سبک دل بستگی بزرگسالان (AAQ):

ابزاری که در این پژوهش جهت گرد آوری اطلاعات به کار گرفته می شود عبارتست از پرسشنامه ی سبک دل بستگی بزرگسالان (AAQ) که حاوی ۵۰ گزاره ۴ گزینه ای می باشد.

آزمودنی پاسخ خود را در مورد هرگزاره در دامنه ای از نمرات ۰ (اصلاً صحیح نیست) تا ۳ (کاملاً صحیح است) ابراز می نماید. پرسشنامه دل بستگی بزرگسالان هازن و شیور (۱۹۹۳) می تواند به صورت فردی، نیمه گروهی و یا گروهی اجرا شود. آزمودنی ها باید در یک محیط آرام با ارائه پرسشنامه و پاسخ نامه به هر کدام از آن ها مورد آزمون قرار گیرند. مشخصات فردی آزمودنی توسط خود وی در بالای پاسخ نامه درج می شود و توسط آزمونگر تکمیل و صحت آن کنترل می گردد. با توجه به فرضیات مطرح شده و نیز روش تحقیق ارائه شده، روش آماری که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته عبارت است از: تحلیل داده های پژوهش از روش آمار توصیفی نما، میانه و میانگین به عنوان شاخص های گرایش مرکزی، دامنه تغییرات، واریانس و انحراف معیار به عنوان شاخص های پراکندگی و خطای معیار، ضریب کجی و ضریب کشیدگی به عنوان شاخص های توزیع. در راستای تحلیل داده ها و پاسخ به سوال های پژوهش، از مدل های آماری رگرسیون چند متغیری و ماتریس ضریب همبستگی پیرسون (به منظور بررسی ارتباط بین سبک های دل بستگی با پدیده بولینگ)، t گروه مستقل (به منظور مقایسه سبک های دل بستگی و پدیده بولینگ در پسران) پرداخته شد.

تجزیه و تحلیل داده ها

جدول شماره ۱: t دو گروه مستقل جهت مقایسه مؤلفه های «پدیده بولینگ» پسران

مقیاس	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
تهدید توسط دیگران	پسر	۵/۳۷	۴/۶۰	-۰/۵۵	۱۲۰	۰/۵۸۲

۰/۹۸۵	۱۲۰	-۰/۰۱	۴/۶۷	۱۴/۸۲	پسر	امنیت در مدرسه
۰/۶۷۳	۱۲۰	۰/۴۲	۵/۸۶	۹/۷۱	پسر	عکس‌العمل بعد از دیدن پدیده بولینگ
۰/۰۹۶	۱۲۰	۱/۶۸	۲/۸۰	۱/۹۲	پسر	مورد آزار قرار دادن دیگران
۰/۶۶۲	۱۲۰	۰/۴۳	۵/۴۸	۱۵/۱۵	پسر	خودتان را مورد آزار قرار دادن
۰/۱۲۵	۱۲۰	۱/۵۴	۴/۶۶	۱۰/۱۵	پسر	دیده‌ها و شنیده‌های پدیده بولینگ
۰/۹۵۹	۱۲۰	۰/۰۵	۱۷/۳۶	۵۷/۱۵	پسر	پدیده بولینگ

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha=۰/۰۵$ بین میانگین‌های مؤلفه‌های «پدیده بولینگ» در گروه (پسران) وجود ندارد.

جدول شماره ۲: t دو گروه مستقل جهت مقایسه مؤلفه‌های «سبک‌های دل‌بستگی» پسران

خرده‌مقیاس	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
ایمن	پسر	۳۲/۰۱	۵/۸۷	۲/۰۶	۱۲۰	۰/۰۴۱
دوسوگرا	پسر	۲۰/۳۵	۵/۹۳	۰/۴۴	۱۲۰	۰/۶۵۸
اجتنابی	پسر	۲۵/۷۳	۷/۳۴	۱/۷۱	۱۲۰	۰/۰۸۹

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان مقادیر t به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری در سطح $\alpha=۰/۰۵$ بین میانگین‌های سبک دل‌بستگی «ایمن» در گروه (پسران) وجود دارد.

جدول شماره ۳ رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «تهدید توسط دیگران»

جدول شماره ۳: از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در پسران

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۲۸۳/۷۸	۳	۹۴/۵۹	۵/۳۹	۰/۰۰۲
باقیمانده	۱۰۵۱/۲۱	۶۰	۱۷/۵۲		

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «سبک‌های دل‌بستگی» با «تهدید توسط دیگران» در پسران در سطح $\alpha=۰/۰۱$ مشاهده می‌شود. به عبارتی دیگر توان پیش‌بینی «تهدید توسط دیگران» از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در پسران وجود دارد. از این رو، جهت شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است تا جدول ضرایب رگرسیون عنوان شود.

جدول شماره ۴

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری
تهدید توسط دیگران	ایمن	-۰/۱۵	-۰/۱۹	-۱/۵۷	۰/۱۲۱
	دوسوگرا	۰/۳۰	۰/۳۹	۲/۹۹	۰/۰۰۴
	اجتنابی	۰/۱۰	۰/۱۶	۱/۳۲	۰/۱۹۲

با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط مثبت معنی‌داری بین سبک دل‌بستگی «دوسوگرا» با «تهدید توسط دیگران» در پسران، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با گرایش سبک دل‌بستگی پسران به «دوسوگرا»، «تهدید توسط دیگران» در پسران نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «تهدید توسط دیگران» در پسران نیز کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۵ رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «امنیت در مدرسه» از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در

پسران

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۷/۶۲	۳	۵/۸۷	۰/۲۶	۰/۵۸۴
باقیمانده	۱۳۵۷/۴۸	۶۰	۲۲/۶۲		

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «سبک‌های دل‌بستگی» با «امنیت در مدرسه» در پسران در سطح $\alpha=0/05$ مشاهده نمی‌شود. به عبارتی دیگر توان پیش‌بینی «امنیت در مدرسه» از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در پسران وجود ندارد.

جدول شماره ۶: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «عکس‌العمل بعد از دیدن پدیده بولینگ» از طریق

«سبک‌های دل‌بستگی» در پسران

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۶۸/۰۱	۳	۲۲/۶۷	۰/۶۴	۰/۵۸۷
باقیمانده	۲۰۹۸/۹۲	۶۰	۳۴/۹۸		

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «سبک‌های دل‌بستگی» با «عکس‌العمل بعد از دیدن پدیده بولینگ» در پسران در سطح $\alpha=0/05$ مشاهده نمی‌شود. به عبارتی دیگر توان پیش‌بینی «عکس‌العمل بعد از دیدن پدیده بولینگ» از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در پسران وجود ندارد.

جدول شماره ۷: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «مورد آزار قرار دادن دیگران» از طریق «سبک‌های

دل‌بستگی» در پسران

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۳۷/۰۷	۱	۳۷/۰۷	۵/۰۱	۰/۰۲۹
باقیمانده	۴۵۹/۵۳	۶۲	۷/۴۱		

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «سبک‌های دل‌بستگی» با «مورد آزار قرار دادن دیگران» در پسران در سطح $\alpha=0/05$ مشاهده می‌شود. به عبارتی دیگر توان پیش‌بینی «مورد آزار قرار دادن دیگران» از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در پسران وجود دارد. از این رو، جهت شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است تا جدول ضرایب رگرسیون عنوان شود.

جدول شماره ۸

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری
مورد آزار قرار دادن دیگران	دوسوگرا	۰/۱۲	۰/۲۷	۲/۲۳	۰/۰۲۹
	ایمن	۰/۰۹	-۰/۱۴	-۱/۱۱	۰/۲۶۹
	اجتنابی	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۹۱۰

با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط مثبت معنی‌داری بین سبک دل‌بستگی «دوسوگرا» با «مورد آزار قرار دادن دیگران» در پسران، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با گرایش سبک دل‌بستگی پسران به «دوسوگرا»، «مورد آزار قرار دادن دیگران» در پسران نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «مورد آزار قرار دادن دیگران» در پسران نیز کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۹: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «خودتان را مورد آزار قرار دادن» از طریق «سبک‌های

دل‌بستگی» در پسران

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۱۰۰/۰۳	۳	۳۳/۳۴	۱/۱۱	۰/۳۵۱
باقیمانده	۱۷۹۸/۳۹	۶۰	۲۹/۹۷		

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «سبک‌های دل‌بستگی» با «خودتان را مورد آزار قرار دادن» در پسران در سطح $\alpha=0/05$ مشاهده نمی‌شود. به عبارتی دیگر توان پیش‌بینی «خودتان را مورد آزار قرار دادن» از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در پسران وجود ندارد.

جدول شماره ۱۰: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «دیده‌ها و شنیده‌های پدیده بولینگ» از طریق «سبک-

های دل‌بستگی» در پسران

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۲۵۳/۴۷	۳	۸۴/۴۹	۴/۵۳	۰/۰۰۶
باقیمانده	۱۱۱۸/۹۶	۶۰	۱۸/۶۴		

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «سبک‌های دل‌بستگی» با «دیده‌ها و شنیده‌های پدیده بولینگ» در پسران در سطح $\alpha=0/01$ مشاهده می‌شود. به عبارتی دیگر توان پیش‌بینی «دیده‌ها و شنیده‌های پدیده بولینگ» از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در پسران وجود دارد. از این رو، جهت شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است تا جدول ضرایب رگرسیون عنوان شود.

جدول شماره ۱۱

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری
دیده‌ها و شنیده‌های پدیده بولینگ	ایمن	-۰/۱۵	-۰/۱۹	-۱/۵۷	۰/۱۲۰
	دوسوگرا	۰/۲۰	۰/۲۶	۱/۹۸	۰/۰۵۲
	اجتنابی	۰/۱۷	۰/۲۶	۲/۰۷	۰/۰۴۳

با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط مثبت معنی‌داری بین سبک دل‌بستگی «دوسوگرا» با «دیده‌ها و شنیده‌های پدیده بولینگ» در پسران، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با گرایش سبک دل‌بستگی پسران به «دوسوگرا»، «دیده‌ها و شنیده‌های پدیده بولینگ» در پسران نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «دیده‌ها و شنیده‌های پدیده بولینگ» در پسران نیز کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۱۲: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش‌بینی «پدیده بولینگ» از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در

پسران

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۳۳۰۸/۹۴	۳	۱۱۰۲/۹۸	۴/۲۱	۰/۰۰۹
باقیمانده	۱۵۶۸۷/۵۰	۶۰	۲۶۱/۴۵		

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط معنی‌داری بین «سبک‌های دل‌بستگی» با «پدیده بولینگ» در پسران در سطح $\alpha=0/01$ مشاهده می‌شود. به عبارتی دیگر توان پیش‌بینی «پدیده بولینگ» از طریق «سبک‌های دل‌بستگی» در پسران وجود دارد. از این رو، جهت شناسایی و تبیین ضرایب رگرسیون، ضروری است تا جدول ضرایب رگرسیون عنوان شود.

جدول شماره ۱۳

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بینی کننده	میزان B	ضریب بتا	میزان t	سطح معنی‌داری
پدیده بولینگ	ایمن	-۰/۴۰	۰/۳۶	-۱/۱۰	۰/۲۷۵
	دوسوگرا	۱/۰۳	۰/۳۹	۲/۶۱	۰/۰۱۱
	اجتنابی	۰/۳۷	۰/۳۰	۱/۲۱	۰/۲۲۹

با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، می‌توان مطرح نمود که ارتباط مثبت معنی‌داری بین سبک دل‌بستگی «دوسوگرا» با «پدیده بولینگ» در پسران، مشاهده می‌شود. بدین ترتیب که با گرایش سبک دل‌بستگی پسران به «دوسوگرا»، «پدیده بولینگ» در پسران نیز افزایش می‌یابد و با کاهش آن، «پدیده بولینگ» در پسران نیز کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۱۴: ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای «پدیده بولینگ» و «سبک‌های دل‌بستگی» در

پسران

ضریب همبستگی سطح معنی‌داری	تهدید توسط دیگران	امنیت در مدرسه	عکس-عمل	آزار دیگران	خود را آزار دادن	دیده‌ها و شنیده‌های	ایمن	دوسوگرا	اجتنابی
تهدید توسط دیگران		۰/۳۸	۰/۲۲	۰/۳۶	۰/۴۹	۰/۳۷	-۰/۰۲	۰/۴۰	۰/۲۹
امنیت در مدرسه	۰/۰۰۲		۰/۲۰	۰/۱۶	۰/۳۷	۰/۳۲	۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۰۳
عکس‌عمل	۰/۰۷۵	۰/۱۱۲		-۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۱۴
آزار دیگران	۰/۰۰۳	۰/۲۰۷	۰/۷۸۹		۰/۰۴	۰/۱۴	-۰/۰۳	۰/۲۷	۰/۱۲
خود را آزار دادن	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۳۶۶	۰/۶۹۹		۰/۳۵	-۰/۰۳	۰/۲۰	۰/۰۹
دیده‌ها و شنیده‌های	۰/۰۰۲	۰/۰۱۰	۰/۳۳۴	۰/۲۴۹	۰/۰۰۴		-۰/۰۵	۰/۳۱	۰/۳۴
ایمن	۰/۸۳۴	۰/۷۴۳	۰/۳۸۷	۰/۷۶۹	۰/۸۱۶	۰/۶۷۵		۰/۳۳	۰/۲۰
دوسوگرا	۰/۰۰۱	۰/۳۷۷	۰/۳۰۵	۰/۰۲۹	۰/۱۰۵	۰/۰۱۲	۰/۰۰۷		۰/۴۲
اجتنابی	۰/۰۱۸	۰/۷۸۵	۰/۲۴۵	۰/۳۱۲	۰/۴۶۲	۰/۰۰۶	۰/۱۱۰	۰/۰۰۱	

نتیجه‌گیری و بحث

هدف از این پژوهش بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی با پدیده بولینگ در دانش‌آموزان پسر می‌باشد هدف اصلی بررسی رابطه بین «سبک‌های دل‌بستگی»، «پدیده بولینگ» و «جنسیت» در شهر تهران بوده است و اهداف فرعی به شرح زیر می‌باشد:

۱- بررسی رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن با پدیده بولینگ در دانش آموزان پسر
۲- بررسی رابطه بین سبک دل‌بستگی اجتنابی با پدیده بولینگ در دانش آموزان پسر
۳- بررسی رابطه بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا با پدیده بولینگ در دانش آموزان پسر
پدیده بولینگ رفتار پرخاشگرانه مداومی است که منجر به ترساندن، تهدید و ارباب یک فرد ضعیف تر (قربانی) می شود. این رفتار از جانب یک شخص قوی تر از لحاظ قدرت فیزیکی، موقعیت روانی و اجتماعی انجام می شود تا قدرت خود را به قربانی یا قربانیان نشان دهد (مرل و همکاران، ۲۰۰۸).

به منظور جمع آوری داده‌ها در تحقیق حاضر از دو پرسشنامه سبک دل‌بستگی بزرگسالان (AAQ) هازن و شیور و پرسشنامه ی محقق ساخت پدیده بولینگ استفاده شد که توسط دانش آموزان گروه نمونه علامت گذاری شد در تحلیل فرضیه های پژوهش و نیز پاسخ به سوال های پژوهش، از مدل‌های آماری رگرسیون چند متغیری و ماتریس ضریب همبستگی پیرسون (به منظور بررسی ارتباط بین سبک‌های دل‌بستگی با پدیده بولینگ) و t دو گروه مستقل به منظور مقایسه سبک‌های دل‌بستگی و پدیده بولینگ در پسران استفاده شد که نتایج به شرح زیر می‌باشد.

فرضیه اصلی:

بین سبک دل‌بستگی، پدیده بولینگ و جنسیت رابطه وجود دارد.

با توجه به جدول و با تأکید بر میزان F به دست آمده می توان مطرح نمود که ارتباط معناداری بین سبک‌های دل‌بستگی با پدیده بولینگ در پسران در سطح $\alpha: 0/01$ (مجموع مجذورات = $3308/94$) و (میانگین مجذورات = $1102/98$) و با توجه به ضرایب رگرسیون چند متغیری با روش ورود همزمان می توان مطرح نمود که ارتباط مثبت و معناداری بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا با پدیده بولینگ در پسران مشاهده می شود. به عبارتی دیگر توان پیش بینی پدیده بولینگ از طریق سبک‌های دل‌بستگی در پسران وجود دارد.

نتیجه این تحقیقات با تحقیقات هیوزمن و همکاران (۱۹۹۶)، ایرلند (۱۹۹۹)، بچ و همکاران (۱۹۹۴)، کرتنر و اسمیت (۲۰۰۶)، کسپی (۲۰۱۰) مطابقت دارد با تحقیقات الویس، ویتنی. اسمیت (۱۹۹۳)، نارین (۲۰۰۹) و واتسن (۱۹۹۷) مطابقت ندارد.

همچنین لوپز، گرملی و میشل (۲۰۰۲) بیان کرده اند در مطالعه ای درباره سبک‌های دل‌بستگی نشان داده شده است که بین سبک دل‌بستگی نا ایمن دوسوگرا و شاخص های وسیعی از ناسازگاری و پرخاشگری رفتاری ارتباط قوی وجود دارد. گریفین و گراوس من (۲۰۰۴) بیان می دارند که افراد درگیر در پدیده بولینگ (افراد قربانی، افراد خشونت گرا) به علت نداشتن روابط مشخص و مناسب با افراد خانواده خصوصاً پدر و مادر در سنین مدرسه نمی توانند روابط مثبت و سازگارانه ای با دانش آموزان دیگر داشته باشند.

برن استین و واتسون (۱۹۹۷) به نقل از شریف (۲۰۰۴) بیان کرده اند زمانی که ویژگی های اجتماعی فرد خشونت گرا را مشاهده می کنیم، متوجه می شویم با توجه به تجربیات گذشته آن ها این دانش آموزان اغلب زمانی که دیگران سعی می کنند رفتار صمیمانه و گرمی با آن ها برقرار کنند از این رابطه فاصله می گیرند.

فرضیه ۱:

بین سبک‌های دل‌بستگی و پدیده بولینگ در پسران رابطه وجود دارد.

نتایج نشان داد که سبک دل‌بستگی دو سوگرا در پسران پیش بینی کننده پدیده بولینگ در آن ها می‌باشد.

نتایج این پژوهش با پژوهش هیوزمن و همکاران (۱۹۹۶) مطابقت دارد آن‌ها در تحقیقی که در مورد تداوم پدیده بولینگ در بین دختران و پسران انجام شد به این نتیجه رسید که از کودکی تا بزرگسالی پدیده بولینگ به صورت معناداری در بین پسران ثابت بود.

ایرلند در سال (۱۹۹۹) نتایج مشابهی ارائه کرده است این رفتار در سنین کودکی در پسران بیشتر قابل پیش بینی است. بچ و همکاران (۱۹۹۴) بیان کرده اند الگوهای رفتاری افراد قربانی در پسران معمولاً تا بزرگسالی ادامه پیدا می کند. این دانش آموزان غیبت های طولانی مدتی از مدرسه به علت طرد از گروه دوستان و همکلاسی هایشان نشان می دهند. کرتنر و اسمیت (۲۰۰۶) رابطه بین نحوه تربیت و پدیده بولینگ را مورد بررسی قرار دادند، آن‌ها دریافتند مادرانی که رابطه گرمی با کودکانشان دارند بیشتر احتمال دارد که کودکاتی داشته باشند که در نوع فیزیکی پدیده بولینگ شرکت نمی کنند. کسپی و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی دریافتند گرمای خانواده، جو مثبت و ایمن بخشی خانواده در جلوگیری از رفتارهای خشونت آمیز کودک در بین کودکان دیگر نقش موثری دارد.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پدیده بولینگ شکلی از پرخاشگری است که به صورت فعال و غیر فعال، روانی و فیزیکی و پنهان و آشکار خود را به نمایش می گذارد به طوری که برخی از دانش آموزان از آن در محیطهای آموزشی و در بین همسالان خود به منظور رسیدن به اهداف کوتاه مدت و طولانی مدتشان استفاده می کنند. در مورد پدیده بولینگ و رابطه آن با سبک‌های دل‌بستگی می توان چنین مطرح کرد که هر قدر فضای خانه امن و عاری از هر نوع تنش و یا عدم تناسب روابط بین والدین و فرزندان باشد کودکان و نوجوانان در بین همسالان خود رفتاری سازگارانه تر و متعادل تری نشان میدهند.

پیشنهاد‌های کاربردی

- ۱- آگاه سازی والدین دانش آموزان و اولیای مدارس نسبت به پدیده بولینگ و پیامدهای آن و آموزش به آن‌ها در خصوص راهکارهایی برای ممانعت از بولینگ از طریق بروشورها و کلاس های آموزشی و غیره.
- ۲- فراهم کردن خدمات مشاوره ای باز دارنده در مدارس به منظور دوری از بولینگ و نیز ارائه راهنمایی و مشاوره برای کودکان و نوجوانان در رابطه با بولینگ
- ۳- تأکید بر ایجاد تغییر در الگوهای ارتباطی دانش آموزان
- ۴- تشویق والدین به این که موضع تأثیر گذار تری بر روی فرزندانشان در برقراری ارتباط با دانش آموزان دیگر داشته باشند و سطح نظارتشان را به طور صحیح افزایش دهند.
- ۵- حمایت از قربانیان پدیده بولینگ با آگاهی دادن به آن‌ها در مورد چگونگی ممانعت از پدیده بولینگ و واکنش نسبت به آن.

۶- آموختن راهکارهای موثر به دانش آموزان در مورد تصمیم گیری بجا در هنگام مواجهه با پدیده بولینگ

۷- ایجاد جلسات دانش آموزی برای بررسی مشکلات مربوط به پدیده بولینگ

۸- گنجاندن درس هایی در رابطه با پدیده بولینگ و نحوه مبارزه با آن در مدارس

پیشنهادات پژوهشی

- ۱- برای درک بهتر پدیده بولینگ به تحقیقات بیشتری نیاز است تا این پدیده در میان گروههای مختلف مورد بررسی قرار گیرد.
- ۲- چون این پژوهش فقط در مدارس مقطع ابتدایی و راهنمایی منطقه ۱۱ آموزش و پرورش شهر تهران انجام شد، پیشنهاد می شود که پژوهشهای مشابهی در این زمینه در مناطق آموزشی دیگر شهر تهران و یا مناطق آموزشی سایر شهرهای کشور و نیز در مقاطع مختلف تحصیلی به عمل آید.
- ۳- در این پژوهش به بررسی رابطه بین سبک دل‌بستگی با پدیده بولینگ پرداخته شده است که پیشنهاد می شود در پژوهشهای بعدی رابطه این پدیده با سایر متغیرها مورد بررسی قرار گیرد و یا این پدیده با متغیرهای دیگر مانند ویژگیهای شخصیت مورد مقایسه قرار گیرد.

منابع

۱. اتکینسون. ار. ال و هیلگارد. لی. ار، زمینه روان شناسی هیلگارد، ۱۳۸۵، جلد اول و دوم، ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران، تهران، تهران، انتشارات رشد.
۲. -برک، لورا، روان شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، ۱۳۸۶، جلد اول، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، انتشارات رشد.
۳. -دلاور، علی، روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۲، تهران، نشر ویرایش.
۴. -دهقان طرز جانی، ناهید، بررسی کیفیت دل‌بستگی مادر به کودک و ارتباط آن با رشد مهارت‌های اجتماعی (تعامل با همسالان) در کودکان پیش دبستانی شهر تهران، ۱۳۷۶، پایان نامه کارشناسی ارشد، روان شناسی و علوم تربیتی تهران.
۵. -ذراتی، ایران، بررسی رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی، ۱۳۸۵، فصلنامه تازه های علوم شناختی، سال هشتم، شماره ۷.
۶. -رفیعی، ندا، بررسی رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های مقابله ایی با پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷.
۷. -پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۸. -رهنمای نمین، مریم، بررسی مقایسه کیفیت دل‌بستگی خود پنداره و مهارت اجتماعی در دختران و پسران دوره راهنمایی شهر قزوین، ۱۳۸۴، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۹. -زندن، جیمز، دلیلیو، روان شناسی رشد، ۱۳۸۳، ترجمه حمزه گنجی، تهران، انتشارات بعثت.
۱۰. -صادقی، منصورالسادات و مظاهری، علی، مقایسه سبک‌های دل‌بستگی در مادران با سابقه سقط جنین (عمدی و خود به خودی) و مادران بدون سابقه سقط، ۱۳۸۶، دانشگاه شهید بهشتی، فصلنامه باروری و نا باروری، بهار ۱۳۸۶.
۱۱. -کاپلان. پاول. اس، روان شناسی رشد، سفر پر ماجرای کودک، ۲۰۰۰، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران، انتشارات رسا.
۱۲. -ماسن. هنری، رشد و شخصیت کودک، ۱۳۸۵، ترجمه مهشید یاسایی، انتشارات رشد.
۱۳. -مزرعه شاهی، داوود، بررسی رابطه بین کیفیت دل‌بستگی با سازگاری دانش آموزان دبیرستانهای شهر قم، ۱۳۸۴، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۱۴. -مک نامارا. باری و مک نامارا. فرانسیس، کلیدهای رویارویی با پدیده خشونت در کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۸، ترجمه مسعود حاجی زاده، تهران، انتشارات کتابهای دانه.
۱۵. -مظاهری، محمد علی، نقش دل‌بستگی بزرگسالان در کنش ورزی ازدواج، ۱۳۷۹، مجله روان شناسی، سال چهارم، شماره پنجم.
۱۶. -ملک زاده، آزاده، مقایسه عزت نفس و کیفیت دل‌بستگی و پرخاشگری در نوجوانان دارای حواهر و برادر، ۱۳۸۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
18. -Ainsworth, M. D. (1973). The development of infant-mother attachment. In: B. Callaghan & H. Rice (Eds.), *Review of child development research* (Vol. 3). Chicago: University of Chicago Press.
19. -Baldry, A. C., & Farrington, D. P. (2000). Parenting Influences on Bullying and victimization. *Legal and Criminological Psychology*, 3, 237-254
20. -Beal, A. (2007) Cyberbullying; What it is and how to prevent it. *Delta Kappa Gamma Bulletin*, 73 (3), 26-27
21. -Bell, K. S., Wonderlich, S. J., Silger, S. M., & Dillala, I. F. (2006). The relation between early childhood peer interactions and externalizing behaviors. Poster Presented at the Kansas Conference of Child and Adolescent Psychology, Lawrence, KA.
22. -Berendgen, M., Dionne, G., Boivin, M., Vitaro, F., & Perrone, D. (2005). Examining genetic and environmental effects on social aggression of 6-year old twin. *Child Development Journal*
23. London. The Hogarth Press and the Institute of Psychoanalysis.

24. -Bradshaw. c. , (2007). Bullying and peer victimization at school: Perceptual differences between students and school staff, *school psychology Review* 36(3),361-382
25. --Brophy,J. M. C (1992). Teachers report of how they perceive and cope with problem students the elementary school. *Journal* 93(n),4-68
26. -Carney,A. G. ,&Merell,K. W. , (2002). Bullying in school:Perspective on understanding and preventing on international problem.
27. -Carney,J. (2008). Perceptions of bullying and associated Trauma during adolescence professional school counseling 11(3),179-188
28. -Caspi,A. ,& Silva,P. A, (1995). Temperamental qualities at age three predict personality traits in young adulthood longitudinal evidence from a birth cohort. *child Development* 66,486-498
29. -Coie,J. D. ,& Doge,K. A. (1998). Aggression and anti social behavior. In W. Damon & N. Eisenberg (Eds),*Handbook of child Psychology:Vol 3. Social, emotional and personality development.*
30. -Huseman,L. R,Eron,L. D. , (1984). Stability of aggression over time and generations *developmental psychology*,20,1120-1134
31. -Ireland,J. L. (1999). Bullying behavior among male and female prisoners;A study of adult and young offenders. *Aggressive Behavior*,25,161-178
32. -Loeber,R. ,&stouthamer_Loeber,M. (1998). Development of Juvenile aggression and violence: some common misconceptions and controversies. *American psychologist* 53,244
33. -Lines,Dennis. (2007). *Undrestandin Bullies and Bulling*
34. -Merell. W,Kenneth,Gueldner,Barbara. A,Ross. Scoth. W,Isava Duane,M. , (2008). How effective are school Bullying intervention programs, *School psychology Vol 23,No1*,26-42
35. -Mishna,Faye,Winer,Judith,Pepler,Debra. , (2008). Some of my best friend Experiences of Bullying Within Friendships. *School psychology International*(
36. -Olweus. D. (1979). Stability of aggressive reaction patterns in male:A review *Psychological Bulletin*,86,852-875
37. -Porter,Pamela. A. , (2010). Teachers perception of Bullying in Kentucky,grades K-12,A dissertation presented in partial fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy
38. -Price,J. M. ,& Doge,K. A. (1989). Reactive and proactive aggression in childhood:Relations to Peer stature and social context dimentions. *Journal of Abnormal child psychology*,17,455-471
39. -Prinzien,P. ,Onghena, (2006). Parent and child personality characteristics as predictors of negative discipline and externalizing problem behavior in children. *European Journal of personality*,18,73-102
40. -Pulkkinen,L. (2005). Stability of aggressive behaviors from childhood to middle age in women and men *Aggressive behavior*;31,485-497
41. -Ramsey,C. J. , (2010). Teachers Experiences with student Bullying in five rural middle schools,A dissertation presented to the faculty of the graduat school of western Carolina University of requirements of Doctor of Education
42. -Richman,D. S. , (2010). An Interpretive policy Analysis of Bullying law and the Development of bullying policy in a Central Florida school District,A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of Education
43. -Rigby. k. , (2002). *Issues in crime and criminal Justice.* ISBN 0642538101,ISSN. 817-854
44. -Samivalli,C. , (1998). Stability and change of behavior in connection with bullying in school *aggression Behavior* ;24,205-218

45. -Seals. D. ,&Young. J. , (2006). Bullyig and victimization ;prevalence and Relationship to gender level Ethnicity,Self esteem and Depretion. Vol. 38
46. -Sharrif. S. , (2004). Keeping schools ut of court:Legally defensible models of leadership the Educational Forum,68(3),222-233
47. -Sourander,A. (2000). Persistence of bullying from Childhood to Adolescence;A longitudinal 8-year follow-up study child abuse and neglect,24,873-881
49. -Smith,J. , (2005),Antibullying interventions in school ingredients of effective programs. canadian
50. -Susman,E,J. , (2007). Morningness/eveningness morning to afternoon cortisol ration and anti social behavior problem during Puberty. Development psychology 43,811-822
51. -Whitney,I. ,&Smith,P. K(1993). A survey of the nature and extent of bullying in Junior/middle and secondary schools. Educational Research,35,3-27.